

... نقاهتگاه !

تقلب در ۸۸ طراحی پروژه «مهدی هاشمی» و تیم‌اش بود که با موفقیت توانست با این پروژه اصلاح‌طلبان را نیز در این زمین به بازی و نقش‌آفرینی گرفته و وارितه ۸۸ را با توسل به نفرت هیستریک طبقه متوسط از احمدی‌نژاد، کارپردازی کند.

پروژه تقلب ۷ ماه قبل از انتخابات و با تمهید معنادار «کمیته صیانت از آرا» کلید خورد. این پروژه از «سورپرایز دوم خرداد ۷۶» اقتباس شده بود که در آن تاریخ «پدرخوانده ایران» را شیرین‌کام کرد و احباب ایشان ملاحظه کردند چگونه با دامن زدن به شعار تقلب و توسل به بداهه‌هائی نظیر «بنویسید خاتمی، بخوانید ناطق» می‌توان جامعه را قطبی و مدیریت جهت برداشت آرا کرد.

از سوی دیگر اخیرا «عبدالرضا هاشم‌زایی» عضو فراکسیون امید مجلس گفته:

آیا وقت آن نرسیده از خود بپرسیم ۱۰ سال حصر موسوی، کربوبی و رهنورد چه منفعی برای نظام داشته؟

نماینده مزبور ظاهرا در فهم مسئله دچار کژفهمی شده.

حصر بابت اخذ منفعتی صورت نگرفت تا اینک کاسبکارانه در جایگاه محاسبه سود و زیان و هزینه و فایده آن بتوان نشست.

جنس حصر در مقام مقایسه، قرینه آسایشگاه سالمندان است که فرزندان ناگزیر و ناگزیر و از سر استیصال مجبور می‌شوند عزیزان خود را که بنا به دلائلی «هزینه‌زا» و «مساله‌ساز» شده‌اند غمگانه در نقاهتگاه قرار دهند.

قدر مسلم محصورین اذنباب شیطان نبودند و در این تردید نیست ایشان فرزندان انقلاب و یاران امام و رهبری بودند که کژفهمانه در ۸۸ اسیر بازی «پدرخوانده» و بازی خورده «حواریونش» شدند.

حصر تلخ‌ترین گزینه نظام و در عین حال خاصه‌خرجی قهری نظام برای مهار یارانی بود که غافلانه و نامدبرانه و جوگیرانه نتوانستند بفهمند در زمینی بازی می‌کنند که بازیگردانش «کس دیگری» است که دنبال «چیز دیگری» است!

#داریوش سجادی